

(یادرفقای جان باخته 13)
گرامی باد یاد درخشان ویسی
زنی از تبار زحمتکشان



بین شما کدام
!- بگویند -
بین شما کدام
صقل میدهد
سلاح ابانی را
برای
روز
انتقام ؟ « شاملو

شب، اردوگاه کومه له بود و دیر وقت . وقت استراحت و خواب . خواب، بعد از یک روز فعالیت و کار . تمدد نیرو برای فردا و روزهای دیگر . شب و مبارزین ، خسته کار و خیمه زده در دره ای در خاک عراق . باشد تا کنشایی شود و در جامعه مبارزه شان را پیش ببرند
شب و خستگی و دل در گرو خواب بستن . انسان و خواب . انسان خفته هرکه باشد ، کودکی را مانند است که معصومانه چشم بر هم گذاشته و آرامش
میخواهد

همه خوابیده اند . غیر از نگیهان ها و پاس بخش ها و شاید عده ای شب زنده دار . و یکی دیگر هم بیدار . بیدار . اما به قصدی شوم . با طرح و نوطنه ای . هم
صدی که آن شب با انگیزه و تصمیمش راه دیگر میرفت . بدگمان و کوتاه فکر . از مناسباتی عقب افتاده بر آمده و به صف انقلاب و پیشروان جامعه پیوسته و
در نیمه های راه ، مانده و درمانده و عاصی . و اکنون قصد جان دیگران را کرده است . قصدش شیخون زدن است . به انسان . انسان مبارز
در سکوت و سیاهی شب ، خفاش وار بر بالین انسانها رفتن . جدا . جدا . اول به سراغ این (رفیق اقبال) بعد به سراغ آن (رفیق درخشان ویسی) و لحنانی
بعد رگبار گلوله بستن برتن انسان های خفته . برتن آنها . فاجعه آفریدن . خون ریختن . شیخون کردن . اردوگاه و شب و خون . شیخون
درخشان ویسی در این حادثه ناگوار در 1364.05.17 زخمی و در تاریخ 1364.05.18 جانباخت

بهروز شادیمقدم
2012.1.15